

# حلیه شریفه، تجلی سیمای پیامبر اکرم<sup>ص</sup> در هنر خوشنویسی عثمانی

\*  
مهدی قربانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱ (صفحه ۱۶۱-۱۷۸)

**چکیده:** در آیین اسلام، تصویر کردن چهره انسان از امور نهی شده است، که در هنر اسلامی از آن به «شمایل‌گریزی» تعبیر می‌شود. این سخت‌گیری در ممانعت از تصویرسازی، بیش از همه در خصوص چهره افراد مقدس همچون پیامبران و امامان معصوم بوده است؛ به همین سبب، در آثار هنری مسلمانان، به‌جز چند نمونه خردنگاره فاقد سند و اصالت، شمایی از چهره مبارک پیامبر اکرم<sup>ص</sup> ترسیم نشده است. بر همین اساس، در هنر اسلامی، توصیف کلامی، در مقایسه با توصیف تصویری، رواج بیشتری داشته است. اوصافی از پیامبر اکرم<sup>ص</sup> که از زبان اصحاب نزدیک و موثق آن حضرت در منابع حدیثی و روایی معتبر اهل سنت و شیعه ذکر شده، در طول زمان، دست‌مایه هنرمندان و ادیبان و شاعران مسلمان بوده است. توصیف پیامبر اکرم<sup>ص</sup> در هنر خوشنویسی عثمانی، در قالب «حلیه شریفه» نمودار شده که نمونه‌های فراوانی از آن در

این دوره به قلم خطاطان تُرک پدید آمد. حلیه‌نویسی را نخستین بار حافظ عثمان ابداع کرد و سپس، نگارش آن با همین شیوه در میان خطاطان تُرک مرسوم شد و استادان بزرگ خوشنویس احترام و محبت خویش به ساحت پیامبر ص را در قالب کتابت حلیه نشان دادند. حلیه‌ها نخست در ابعاد بسیار کوچک برای حمل در جیب یا آویختن به گردن نوشته می‌شدند، اما بعدها به سبب اعتقاد به خواصی که برای آنها برشمرده می‌شد، در اندازه‌های بزرگ‌تر و با خطوط گوناگون کتابت شدند و فرم خاصی را در خوشنویسی پدید آوردند که تا روزگار ما نیز دوام یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** پیامبر اسلام، هنر اسلامی، حلیه شریفه، حافظ عثمان، خوشنویسی، عثمانی.

## ۱ مقدمه

حلیه در لغت به معنای زینت، زیور، صفت پسندیده و نیکو و صورت زیبا آمده و به معنای خاص، به کتاب‌هایی اطلاق می‌شود که موضوع آنها شرح اوصاف و خصال مبارک رسول اکرم ص باشد. در فرهنگ عثمانی، «حلیه» به اصطلاح خاصی برای توصیف ویژگی‌های ظاهری و باطنی پیامبر ص تبدیل شد و در میان طبقات گوناگون جامعه از صدر تا ذیل رواج یافت. جایگاه خاص پیامبر ص، به عنوان بزرگ‌ترین رهبر اسلام و شفیع امت، موجب شد تا عشق و محبتی که مسلمانان نسبت به ایشان داشتند دست‌مایه‌ای برای بیان وصف و نعت شخصیت الهی و تکرارناپذیری شود که آرزوی دیدار و زیارتش به لحاظ بُعد زمانی غیرممکن بود و امید به شفاعتش در قیامت می‌رفت. این باور سبب شد تا سفارش حلیه‌نویسی به خطاطان از جانب سلاطین، دولت‌مردان و علما افزایش یابد؛ و در نتیجه، این حرفه نه تنها در سطوح عالی جامعه، بلکه حتی در میان عامه مردم نیز رواج یافت.

تابعین و نسل‌های بعدی مسلمانان صدر اسلام و به طور کلی کسانی که در زمان حیات پیامبر ص توفیق و امکان زیارت و دیدار با آن حضرت را نداشتند، اشتیاق و حسرت خود به زیارت آن بزرگوار را با شنیدن اوصاف ایشان از زبان اصحاب تسکین می‌دادند. مشهورترین

این روایات، نخست از حضرت امام علی<sup>ع</sup> و سپس از دیگر صحابه همچون امام حسن<sup>ع</sup>، انس بن مالک، هند بن ابی‌هاله، براء بن عازب، جابر بن سمره و ام‌معبد<sup>۱</sup> نقل شده‌اند. با گذر زمان، این روایات پررنگ‌تر شده و اهمیت بیشتری یافته و در کتاب‌های حدیث و سیره با عنوان «شمایل» و «حلیه» جای گرفته‌اند. آثار مستقل دیگری نیز در این باره نوشته شده است که *الطبقات الکبیر*، اثر ابن سعد، *الشمایل المحمدیة* تألیف ترمذی، و *کتاب الشفاء بتعریف حقوق المصطفی*، اثر قاضی عیاض از جمله مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود (Serin 2010, 38). حلیه‌ها، علاوه بر تنوع در شکل، در متن هم متنوع و گوناگون‌اند. بر اساس منابع معتبر، چند نوع متن به زبان عربی برای حلیه وجود دارد.

در هنر خوشنویسی عثمانی، «حلیه» قالبی است که نخستین بار خطاط بزرگ و صاحب‌مکتب تُرک، حافظ عثمان (۱۰۵۲-۱۱۱۰ق/۱۶۴۲-۱۶۹۸م)، آن را برای کتابت اوصاف پیامبر اکرم ص ترتیب داد. متن آن، روایتی از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در توصیف ویژگی‌های شخصیتی، انسانی و اخلاقی و به طور کلی رفتار و کردار ایشان است. حلیه را بدین لحاظ که به شرف توصیف پیامبر اکرم ص منتسب است «حلیه شریفه» یا «حلیه سعادت» نامیده‌اند. حلیه‌نویسی در دوره عثمانی، به سبب اعتقادات دینی، امری میمون و مبارک شمرده می‌شد. در حدیثی منسوب به پیامبر ص آمده است: «استشفوا بالحلیه»؛ برای درمان بیماری از حلیه شفا بگیرید (مستقیم‌زاده ۱۹۲۸م، ۶۰۶). بر همین اساس و بنا بر اعتقادات قلبی نشئت گرفته از آموزه‌های دینی، حلیه همواره در نزد مسلمانان از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است.

افزون بر این، اعتقاد مردم به حلیه به سبب معانی قدسی کلمات آن بود؛ آنان معتقد بودند که آویختن حلیه بر دیوارهای منزل، آن را از آفات و بلاهایی چون آتش‌سوزی و زلزله و فقر و بدبختی و بیماری حفظ می‌کند. حلیه که تجلی ایمان، عشق و احترام به پیامبر ص است در میان مسلمانان و به‌ویژه اهل سنت، اهمیت و اعتباری فراوان یافت و در دوره عثمانی در میان عموم طبقات مردم، سفارش دادن حلیه‌های بزرگ به خطاطان

۱. عاتکه دختر خالد بن منقذ، مشهور به ام‌معبد، میزبان پیامبر اکرم ص در مسیر هجرت به مدینه.

برای آویختن بر دیوارها رایج شد؛ البته در ابتدا حلیه را به عنوان حرز، در ابعاد بسیار کوچک، برای نگهداری در جیب یا آویختن بر گردن می نوشتند، و باور داشتند که همراه داشتن آن موجب جلب برکت و روزی و دفع شر و بدی از دارنده آن خواهد بود (Taşkale & Gündüz 2006: 37).

حلیه نویسی از زمان حافظ عثمان تا روزگار ما در میان خطاطان رایج و مرسوم بوده و به عنوان یک فرم خاص در هنر خوشنویسی عثمانی پذیرفته شده است. حلیه‌ها، که از زیباترین آثار هنر خوشنویسی به شمار می آیند، هم در اندازه‌های کوچک، برای حمل در جیب روی سینه (تصویر ۱)، و هم در قالب مرقع‌ها و لوحه‌های دیواری بزرگ، با انواع خطوط به ویژه ثلث، نسخ، محقق و نستعلیق نوشته و سپس تذهیب می شدند (ibid: 36).



تصویر ۱- دو لت از یک نمونه حلیه در اندازه کوچک برای آویختن بر گردن

برای مسلمانان، «حلیه» یادآور آن ارتباط مشترک دینی، تاریخی و فرهنگی است که بسته

به علاقه افراد، در آنها شور و هیجان ایجاد می‌کند. به طور قطع، این پیوندها با آنچه در ذهن و تصور و فهم ناقص غربی‌ها از پیامبر اسلام ص وجود دارد، از بنیان متفاوت است. خوشنویسی «حلیه» تنها ارائه یک تصویر نیست، بلکه تصویری از سرچشمه یک باور است. این تصویر بی‌گمان چنین نیست که بر اندام یک نقاشی ظاهر می‌شود، بلکه چنان است که گویا نمادی از سرسپردگی و ایمان را نظاره می‌کنید... بازتاب حلیه بر خرد بیننده چنان است که، پیش از اندیشه درباره مطلب آن، حس زیباشناختی، ایمان و باور را برمی‌انگیزد. این تصویر، چونان جامه‌ای براننده بر قامت ادراکات فردی، متناسب می‌نماید و این سرانجام، آن مفهومی است که از طریق دیدار «حلیه» به خواننده منتقل می‌شود (صفوت ۱۳۹۸: ۴۸).

## ۲ متن‌های رایج در حلیه‌نویسی

در هنر خوشنویسی و ادبیات، همواره متن لوحه‌ها اهمیتی خاص داشته؛ زیرا جایگاهی برای بیان احساسات هنرمندان و ادیبان و شاعران، و زمینه‌ای مناسب برای بروز هیجانات و احساسات مذهبی نهفته در دل‌های مسلمانان بوده است. این متن، مشتمل بر اوصاف پیامبر اکرم ص است که از زبان یاران نزدیک و موثق آن بزرگوار روایت شده است. بدیهی است که هیچ ضبط تصویری از دوران زندگانی پیامبر اکرم ص وجود ندارد، اما آنچه از سیرت و صورت آن بزرگوار وصف شده، تصویر کلامی منحصر به فرد و رسایی از ایشان به مخاطبان ارائه می‌کند که در قالب حلیه متجلی شده است. از سوی دیگر، با توجه به شمایل‌گریزی که از ویژگی‌های هنر اسلامی است، هنرمندان مسلمان در حد امکان و توان، بعد کلامی و ادبی این توصیف‌ها را غنی‌تر و پررنگ‌تر کرده‌اند؛ به نحوی که برخی از این متون منشور و منظوم، خود شاهکاری هنری در ادبیات به شمار می‌رود.

مشهورترین متنی که برای کتابت حلیه شریفه کاربرد داشته و دارد حدیثی است از امام علی<sup>ع</sup> که حضرت، در آن، اوصاف ظاهری و اخلاقی رسول اکرم ص را با کلامی فاخر و موجز و

مختصر توصیف فرموده است. متن این حدیث، که با اندکی اختلاف هم در منابع شیعی و هم در منابع اهل سنت روایت شده<sup>۱</sup>، چنین است:

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِذَا وَصَفَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَمْ يَكُنْ بِالطَّوِيلِ الْمُمَعَطِ وَلَا بِالْقَصِيرِ الْمُتَرَدِّدِ كَانَ رُبْعَةً مِنَ الْقَوْمِ وَلَمْ يَكُنْ بِالْجَعْدِ الْقَطِطِ وَلَا بِالسَّبِطِ كَانَ جَعْدًا رَجُلًا وَلَمْ يَكُنْ بِالْمُطَهَّمِ وَلَا بِالْمُكَلْتَمِ وَكَانَ فِي الْوَجْهِ تَدْوِيرٌ أُنْبِيضٌ مُشْرَبٌ أَدْعَجُ الْعَيْنَيْنِ أَهْدَبُ الْأَشْفَارِ جَلِيلُ الْمَشَاشِ وَالْكَتَدُ أَجْرَدُ ذُو مَسْرِيَّةٍ شَتْنُ الْكَفَّيْنِ وَالْقَدَمَيْنِ إِذَا مَسَى تَقَلَّعَ كَأَنَّمَا يَمْشِي فِي صَبَبٍ وَإِذَا التَّفَتَ التَّفَتَ مَعًا بَيْنَ كَتْفَيْهِ خَاتَمُ الثُّبُوتِ وَهُوَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ أَجْوَدُ النَّاسِ كَفًّا وَأَشْرَحُهُمْ صَدْرًا وَأَصْدَقُ النَّاسِ لِهَجَّةٍ وَالْيَهْمُ عَرِيكَةٌ وَأَكْرَمُهُمْ عَشْرَةٌ مَنْ رَأَهُ بِدَيْهَةٍ هَابَهُ وَمَنْ خَالَطَهُ مَعْرِفَةً أَحَبَّهُ يَقُولُ نَاعَتُهُ لَمْ أَرْ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ مِثْلَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (← تصوير ۲).

ترجمه: از علی علیه السلام چنین روایت شده، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را وصف فرمود: او نه زیاد بلندقامت و نه بیش از حد کوتاه بود؛ میانه‌قامت بود. گیسوانش کوتاه بود، زیاد مجعد نبود و زیاد صاف و بلند هم نبود؛ مواج و فرورخته بود. صورتش گرد بود و پوستی مهتابی داشت، چشمانی سیاه و درشت با مژگانی پرپشت و بلند داشت. استخوان‌هایش درشت و قوی بود و شانه‌هایی پهن داشت؛ دست و پاهایش بلند و محکم بود. هنگام راه رفتن اندکی به جلو خم می‌شد چنان‌که گویی در حال افتادن است؛ اگر می‌خواست برای دیدن کسی یا چیزی روی برگرداند، با تمام بدن برمی‌گشت. در میان شانه‌هایش مهر نبوت بود و او آخرین پیامبران است. قلبی سخاوتمند، گفتاری صادق و خلق و خوبی متین و آرام داشت. از شریف‌ترین قبایل بود. هر کس او را برای نخستین بار می‌دید، مبهوتش می‌شد و هر کس با وی همنشین بود، دوستش می‌داشت. وصف‌کننده‌اش می‌گوید تاکنون کسی را همچون او ندیده‌ام. درود خدا بر وی و خاندانش باد.

۱. این روایت در فضائل الخمسة من الصحاح الستة و غیرها من الکُتُبِ الْمُعْتَبَرَةِ، سید مرتضی فیروزآبادی، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۲ق، ۱/ ۱۱۳، باب «فی جود النبی»؛ الجامع الصحیح او سنن الترمذی، محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۹ق، ۲/ ۲۸۶ (هر دو از کتب اهل سنت)؛ أمالی، شیخ الصدوق محمد بن علی، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۰۰ق، ۲۱۷ (از منابع شیعی) نقل شده است.



تصویر ۲- نمونه‌ای از متن اصلی حلیه، به خط نسخ، اثر محمد شوقی افندی

متن مشهور دیگری که در کتابت حلیه کاربرد داشت، توصیفی است که هند بن ابی‌هاله<sup>۱</sup> برای امام حسن مجتبی<sup>ع</sup> از جدش پیامبر اکرم ص<sup>ص</sup> نموده و بسیار مفصل است. این روایت نیز

۱. در منابع، وی را پسر ام‌المؤمنین خدیجه ص<sup>ص</sup> از همسر قبلی‌اش ابوهاله دانسته‌اند و بنابراین، او برادر مادری حضرت فاطمه زهرا ص<sup>ص</sup> است. او نزد پیامبر اکرم ص<sup>ص</sup> پرورش یافت. سیره‌نویسان هند را از اصحاب آن حضرت برشمرده و وی را توثیق کرده‌اند. او در غزوه بدر و احد شرکت داشت و در جنگ جمل در رکاب امیرالمؤمنین علی<sup>ع</sup> به شهادت رسید (محمدباقر مجلسی (۱۴۰۳)، بحار الانوار، تهران: مؤسسه دارالکتب اسلامی، ۱۶/ ۱۴۷-۱۴۸).

از منابع شیعی و اهل سنت نقل شده و نمونه‌هایی از حلیه با این متن موجود است. یکی از برترین آنها حلیه‌ای است به خط ثلث و نسخ که به قلم احمد کامل آکدیک، آخرین رئیس الخطاطین عثمانی کتابت شده است (← تصویر ۳).

برخی از خطاطان ترک، علاوه بر متون حدیثی و روایات دینی که طبعاً به زبان عربی بوده‌اند، در نگارش حلیه‌ها، از متون ترکی نیز بهره برده‌اند. شاید بتوان گفت مهم‌ترین دلیل برای استفاده از زبان ترکی در حلیه‌ها ناآشنایی بسیاری از مردم عامی با زبان عربی بوده است. البته این متون ترکی منظوم یا منثور، در واقع، ترجمه همان متون عربی بوده‌اند. یکی از مشهورترین نمونه‌های حلیه‌های ترکی، حلیه‌ای است به خط ثلث و نسخ که احمد عارف افندی کتابت کرده است (← تصویر ۴).



تصویر ۳- حلیه شریفه به قلم احمد کامل آکدیک رئیس الخطاطین





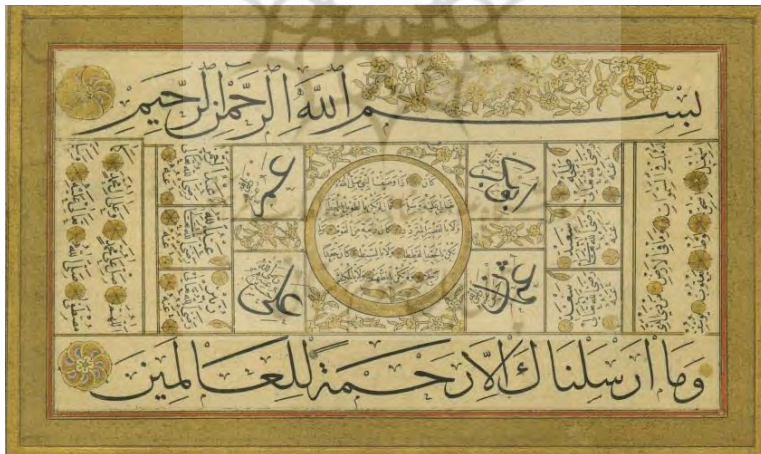
تصویر ۴- حلیه شریفه به زبان ترکی عثمانی به قلم احمد عارف افندی

منظومه «حلیه النبویه» سروده خاقانی محمد افندی (وفات: ۱۰۱۵/ق/ ۱۶۰۷ م)، که به «حلیه خاقانی» شهرت دارد، از زیباترین نمونه‌های ادبیات دینی ترکی و نخستین نمونه حلیه منظوم است. این مثنوی شامل بسمله، توحید، تحمیدیه، مناجات و نعت و توصیف صفات رسول اکرم ص و مشتمل بر ۷۱۶ بیت است، که بر اساس روایت مشهور امام علی<sup>ع</sup> سروده شده است. شاعر، چنان‌که خود در انتهای منظومه‌اش اشاره کرده، این اثر را به سال ۱۰۰۷/ق/ ۱۵۹۸ م سروده است.

حلیه خاقانی، در جامعه عثمانی، مقبولیتی عام یافت و حلیه‌های بسیاری به تقلید از آن سروده شدند، اما هیچ‌یک از آنها به آن حد از مقبولیت و جایگاه والای حلیه خاقانی دست نیافتند. این منظومه، که برای نخستین بار در سال ۱۲۶۴/ق/ ۱۸۴۸ م به فرمان سلطان عبدالمجید در مطبعه عامره به چاپ رسید، در مراسم مذهبی، به‌ویژه در ولادت پیامبر

اکرم ص، به همراه آوای موسیقی خوانده می‌شد. به علاوه، پس از دوره تنظیمات<sup>۱</sup>، مدتی نیز به عنوان کتاب درسی در مکتب‌ها تدریس می‌شد. خطاطان عثمانی نیز به حلیه خاقانی توجه ویژه داشته و آن را مکرر کتابت کرده‌اند (UZUN 1997: 15/ 167). یکی از برترین نمونه‌های حلیه خاقانی حلیه‌ای است در چهار لث یک مرقع به خط ثلث و نسخ که آن را ابراهیم بی‌زبان کتابت کرده است (← تصویر ۵).

ابیات گزیده‌ای از این حلیه منظوم، به خط نستعلیق جلی، بر روی قطعات چوبی نوشته، و برای تزئین فضای داخلی، به شکل کتیبه در تکیه‌ها، خانقاه‌ها و سرسرای کوشک‌ها و عمارت‌های بزرگ نصب می‌شده است. برخی از استادان بزرگ خوشنویس همچون یساری‌زاده مصطفی عزت‌افندی، محمد نظیف افندی، عزیز رفاعی و عمر وصفی افندی، برای مشق نستعلیق، ابیاتی از حلیه خاقانی را در نظر می‌گرفتند (SERİN 2010: 39). نسخه‌های فراوانی از این منظومه در کتابخانه دانشگاه استانبول موجود است.



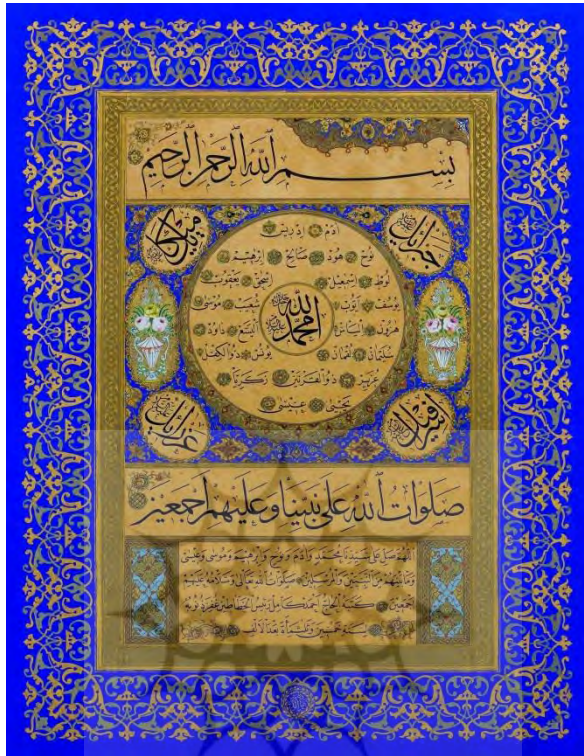
۱. تنظیمات یا تنظیمات خیریه، نهضت نوگرایی و اصلاح‌طلبی در ساختار سیاسی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی جامعه عثمانی در قرن نوزدهم است که از سال ۱۸۳۹م آغاز شد و با دوره قانون اساسی اول در سال ۱۸۷۶م به پایان رسید. هدف اصلاحات دوره تنظیمات، نوسازی دستگاه دولتی و اجتماعی و یکپارچه کردن اقوام غیرمسلمان و غیرترک امپراتوری، از راه تغییر قانون‌ها و روش‌ها، اعطای حقوق اجتماعی، آزادی‌های مدنی و مقابله با حرکت‌های ملی‌گرایانه و قدرت متخاصم بود (http://lib.eshia.ir/23022/16/6119).



تصویر ۵- دو لت از مرقع حلیه خاقانی به خط ثلث و نسخ اثر ابراهیم بی‌زبان

ناگفته نماند که برخی از حلیه‌ها، شامل متونی در اوصاف پیامبران، معجزات ده‌گانه پیامبر اکرم ص یا اوصاف خلفای راشدین بودند که منبع آنها روایات حدیثی و تاریخی معتبر بود. همچنین از نام‌های خداوند (اسماء الحسنی)، القاب پیامبر اکرم ص، نام‌های فرشتگان مقرب، اسامی «عشره مبشره» (ده یار بهشتی)<sup>۱</sup> و صلوات و دعا بر روان پاک رسول اکرم ص در کتابت حلیه استفاده می‌شد. حلیه‌نویسان، برای تزئین بیشتر حلیه‌ها، گاهی از اشعار عربی، فارسی و ترکی نیز بهره می‌بردند (← تصویر ۶).

۱. عشره مبشره (العشرة المبشرة بالجنة)، عنوانی در اصطلاح تاریخ و حدیث اهل سنت برگرفته از حدیث نبوی، برای اشاره به ده نفر از اصحاب پیامبر اکرم ص شامل ابوبکر، عمر، عثمان، علی ع، طلحه، زبیر، عبدالرحمن بن عوف، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید و ابوعبیده جراح که به آنها بشارت بهشت داده شده است؛ به این معنا که آنها، در هر حال، به بهشت خواهند رفت. این حدیث فقط در دو کتاب مشهور اهل سنت، یعنی سنن ترمذی و مسند احمد بن حنبل، ذکر شده، و همچنین به لحاظ سند و محتوا، نزد شیعیان پذیرفته شده نیست.



تصویر ۶- حلیه شریفه شامل نام انبیا و فرشتگان و صلوات، به خط ثلث و نسخ، اثر احمد کامل آکدیک (رئیس الخطاطین)

### ۳ ساختار حلیه

حافظ عثمان افندی (وفات: ۱۱۱۰ ق/ ۱۶۹۸ م)، که از بزرگ‌ترین خوشنویسان صاحب‌مکتب عثمانی است، مبدع حلیه شریفه است. وی برای نخستین بار فرم و قالبی خاص برای کتابت متن حلیه طراحی و آن را قاعده‌مند کرد. این فرم خاص برای سایر خوشنویسان در سراسر قلمرو عثمانی به الگویی از هنر کلاسیک تبدیل شد. اگرچه در برخی از منابع، درویش علی اول (وفات: ۱۰۲۴ ق/ ۱۶۷۳ م) مبدع حلیه معرفی شده است، پژوهشگران معتقدند تاکنون هیچ نمونه‌ای از حلیه به خط وی یافت نشده و حافظ عثمان نخستین خطاطی بوده که حلیه را به این شیوه نوشته و ارائه کرده است (Uğurderman 2017: 66).

فرم و قالب کلاسیک حلیه در خوشنویسی عثمانی شامل هفت بخش است (تصویر ۶):  
 (۱) سرلوح: بالاترین بخش حلیه که فقط محل کتابت بسمله است و ترکان آن را «باش‌مقام» می‌نامند.

(۲) مرکز: بخش اصلی حلیه و محل کتابت متن روایت است و معمولاً به شکل دایره یا بیضی طراحی می‌شود. ترکان به این بخش از حلیه «گوبک» (شکم) می‌گویند.

(۳) هلال: در میان بخش مرکزی حلیه و به شکل هلال ماه ترسیم و با طلا یا نقش مایه‌های تذهیب آراسته می‌شود. استفاده از طرح هلال، به نوعی، اشاره به نور چهره مبارک پیامبر اکرم ص است که به خورشید و ماه تشبیه می‌شود. بخش مرکزی حلیه، که معمولاً به شکل دایره است، اشاره به خورشید دارد و هلال، که آن را در بر گرفته، اشاره‌ای به ماه است. همچنین، هلال نمادی از هجرت نبوی و سال قمری است. قسمت خارجی هلال، به لحاظ تزئین، آراسته‌ترین و پر نقش‌ترین بخش حلیه است.

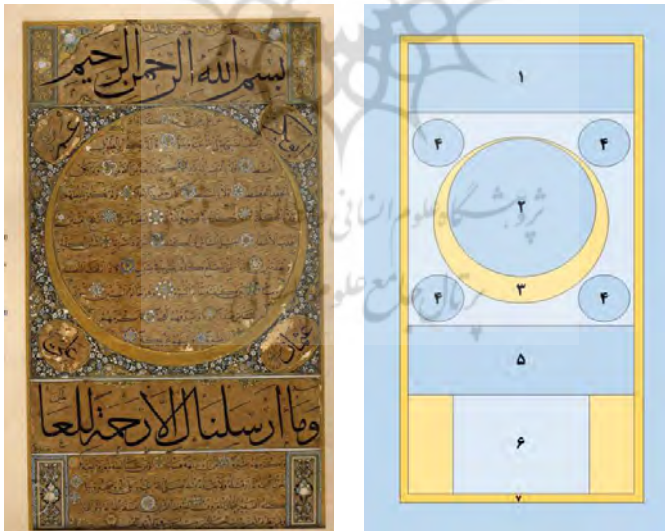
(۴) اسامی خلفای راشدین: در کادر مربع‌شکلی که بخش مرکزی حلیه را در بر گرفته، چهار دایره یا بیضی کوچک در چهار طرف ترسیم می‌شوند که نام خلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان، و علی علیه‌السلام) در آنها نوشته می‌شود. گاهی ممکن است به جای اسامی خلفای راشدین، چهار عنوان از نام‌ها، القاب یا کنیه‌های پیامبر اکرم ص مانند احمد، حامد، حمید و محمود کتابت شود. در برخی حلیه‌ها، علاوه بر نام‌های خلفای راشدین، نام شریف امام حسن و امام حسین علیهما و السلام نیز نوشته شده است.

(۵) آیت / آیه: در این بخش، آیه‌ای از قرآن کریم در نعت پیامبر اکرم ص کتابت می‌شود که به طور معمول، یکی از آیات شریفه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء / ۲۱: ۱۰۷) یا «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم / ۶۸: ۴) و یا «وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا \* مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ...» (فتح / ۴۸: ۲۸ و ۲۹) است. گاهی نیز از احادیث قدسی مرتبط با موضوع استفاده می‌شود.

(۶) دامنه: کادری است به شکل مستطیل افقی در پایین حلیه، که برای نوشتن ادامه متن روایت حلیه و دعای انتهایی آن و درود و صلوات بر رسول اکرم ص و خاندان مطهر ایشان کاربرد دارد. امضای خطاط نیز در این بخش درج می‌شود. در دو سوی دامنه، دو کادر مستطیل‌شکل کوچک وجود دارد که تذهیب می‌شوند.

۷) حاشیه: برای جلوه دادن بیشتر به اثر ترسیم می‌شود و شامل دو حاشیه داخلی و خارجی است (UĞURDERMAN 1998 47).

بسیاری از حلیه‌هایی که به خط ثلث و نسخ یا به خط محقق و ثلث و نسخ نوشته شده‌اند — به‌ویژه حلیه‌های سدهٔ اخیر— در ابعاد بزرگ برای نصب روی دیوار طراحی شده و خطوط آنها نیز به همین نسبت جلی‌تر و درشت‌تر است. در زمان‌های گذشته، به سبب کمیاب بودن کاغذهایی با ابعاد بزرگ، قطعات مختلف حلیه روی کاغذهای کوچک‌تر نوشته و روی چوب چسبانده می‌شد؛ از این رو، بسیاری از حلیه‌هایی که به این شیوه تهیه شده، در معرض آسیب کرم‌ها یا دیگر آفت‌های چوب قرار گرفته‌اند. شایان ذکر است که مُذهبان نیز تمام همت خود را برای تزئین و آراستن حلیه‌ها صرف کرده‌اند؛ حتی در برخی حلیه‌ها، برای تعظیم شأن و مقام پیامبر اکرم ص، تمام کلمات را با طلای سبزی یا زرد نوشته و زراندود کرده‌اند. در برخی حلیه‌ها نیز خردنگاره‌هایی کوچک از مکه و مدینه به چشم می‌خورد.



تصویر ۷- قالب کلاسیک حلیه شریفه و نمونه‌ای از آن، به خط ثلث و نسخ، اثر حافظ عثمان افندی

با گذشت زمان، گرچه حلیه فرم کلاسیک خود را حفظ کرد، اما گاهی خطاطان سعی

می‌کردند تا با ایجاد ترکیب‌های بدیع و جدید، فرم و قالب‌های زیباتری به وجود آورند. نمونه‌های دیگری از حلیه وجود دارد که در قالب کلاسیک - که شرح آن داده شد - کتابت نشده و به نظر می‌رسد چندان هم توجه و اقبال عموم را به خود جلب نکرده‌اند؛ بنابراین، بدیهی است که تعداد آنها کمتر است. حلیه‌های مرقعی، حلیه‌های کتابی و حلیه‌های جدولی از آن جمله‌اند.

در حلیه‌های مرقعی، متن حلیه به صورت سطری و غالباً به خط نسخ یا همراه با خط ثلث در چند لت کتابت، و در نهایت، به شکل مرقع، قطعه‌بندی می‌شد. حلیه‌های کتابی، در قالب کتاب نوشته می‌شدند و در نتیجه، مفصل‌تر بودند و هر بخش در یک یا چند صفحه تحریر می‌شد، اما معمولاً به یک خط (خط نسخ) نگارش می‌شدند. این نوع حلیه‌ها را برای کتابخانه‌ها و به منظور مطالعه تهیه می‌کردند. گاهی در انجامة مصحف‌ها نیز، در کنار فهرست سوره‌ها یا فالنامه‌ها، یک یا چند صفحه به حلیه اختصاص می‌یافت. در حلیه‌های جدولی، متن حلیه در قالب جدولی فهرست‌مانند کتابت می‌شد و غالباً از یک صفحه تجاوز نمی‌کرد.

حلیه مرقعی به خط ثلث و نسخ در چهار لت اثر محمد شوقی افندی (تصویر ۸)، حلیه کتابی اثر یدی کوله‌لی عبدالله افندی (تصویر ۹) و حلیه جدولی به خط نسخ با ترجمه ترکی عثمانی اثر حافظ عثمان (تصویر ۱۰) از این نمونه‌ها به شمار می‌روند.



تصویر ۸- انجامة مرقع حلیه شریفه، به خط ثلث و نسخ، اثر محمد شوقی افندی



تصویر ۹- حلیه شریفه کتابی، به خط نسخ، اثر یدی کوله‌لی عبدالله افندی



تصویر ۱۰- حلیه جدولی، به خط نسخ با ترجمه ترکی عثمانی، اثر حافظ عثمان افندی



#### ۴ حلیه‌نویسان مشهور

چنان‌که گفته شد، حلیه‌نویسی به سبب اعتقادات دینی و مذهبی طبقات گوناگون مردم، در میان خطاطان عثمانی رواج یافت و آنان همت خود را برای هرچه زیباتر نوشتن آن صرف کردند و از خطوط گوناگون و ترکیب‌های مختلف برای کتابت آن بهره گرفتند. به عبارتی، «خوشنویسان ترک هرگز از کتابت حلیه شریفه... به صورتی که در قرن هفدهم میلادی معیارین شده بود، خسته نشدند» (شیمل ۱۳۸۹: ۱۳۱).

در میان خطاطان عثمانی، حافظ عثمان بیش از چهارصد نسخه حلیه به خط ثلث و نسخ کتابت کرده است. مصطفی راقم افندی برای نخستین‌بار حلیه را با انواع گوناگون خطوط و با ترکیبات متنوع نگاشت. قاضی‌عسکر مصطفی عزت افندی حلیه‌نویسی در ابعاد بزرگ را بنیان نهاد و حدود دویست حلیه را کتابت کرد (برک ۱۳۹۶: ۲۰۳). محمد فهمی افندی، حلیه‌هایی با ترتیب‌های متفاوت و اندازه‌های بزرگ کتابت کرده است. یک حلیه از او در اندازه بسیار بزرگ در مسجد شریف نبوی قرار گرفته است (همان: ۲۷۰). محمد شوقی افندی هر روز پس از ادای نماز صبح، حلیه‌ای را به عنوان مشق کتابت می‌کرد. حسن رضا افندی حلیه‌هایی در ابعاد بزرگ‌تر از دو متر می‌نگاشت.

به جز این استادان، یدی کوله‌لی سیدعبدالله افندی، ایری کاپی‌لی محمد راسم افندی، عبدالقادر شکری، اسماعیل زهدی، محمد شفیق افندی، احمد عارف فلبوی، یحیی حلمی افندی، محمد عزیز افندی، احمد کامل آکدیک و حامد آیتاچ از جمله خطاطانی به شمار می‌روند که در حلیه‌نویسی به خط ثلث و نسخ و محقق آثار فراوانی از خود بر جای گذاشته‌اند. یساری محمد اسعد افندی و فرزندش یساری‌زاده مصطفی عزت و محمد خلوصی افندی نیز حلیه‌هایی به خط نستعلیق نگاشته‌اند (Serin 2010: 39). یکی از زنان خوشنویس به نام امینه ثروت خانم (از شاگردان محسن‌زاده عبدالله افندی)، پس از آنکه از همسر ثروتمند بی‌سوادش جدا شد، نه نسخه حلیه کتابت کرد؛ و از آنجاکه فرزندی نداشت، این نه حلیه را بدل فرزندان نداشت و وسیله شفاعتش در روز جزا می‌دانست (İnal 1970: 808). پیش‌تر، بزرگ‌ترین مجموعه از حلیه شریفه، حاوی بیش از ۲۰ قطعه حلیه، متعلق به خانم سوگی گونول بود، که پس از مرگش به موزه صدبرگ خانم در استانبول اهدا شد و در

معروض دید علاقه‌مندان قرار گرفت؛ اما اکنون، صاحب بزرگ‌ترین مجموعه آقای محمد چیبی است، که صدها نسخه حلیه به ویژه از آثار خطاطان معاصر در مجموعه خود دارد و برخی از آنها در موزه تسبیح و حلیه شریفه در استانبول محفوظ است.

## سخن پایانی

رواج و گسترش هنر خوشنویسی در دوره عثمانی موجب شد که این هنر شریف بتواند جایگزین مناسبی برای تصویرگری شخصیت مقدس و والای پیامبر اکرم ص ارائه کند و نیاز معنوی جامعه در برقراری ارتباط با پیشوای بزرگ خود را در قالب زیبانویسی خط و کلمات به صورتی خاص که اجزای آن دارای یک سلسله معانی نظام‌مند و به هم پیوسته بود، برطرف نماید. حلیه نماد تبلور عشق و محبت جامعه اسلامی دوره عثمانی به پیامبر اکرم ص است که توانست به عنوان یک قالب و ساختار در هنر خوشنویسی دوره عثمانی مطرح شود و جریان خاصی را در بستر هنر دینی پدید آورد، که مشابه آن در هیچ دوره دیگری وجود نداشته است.

## منابع

- برک، سلیمان (۱۳۹۶)، *خوشنویسان استانبول*، تهران: پیکره.
- شیمیل، آن ماری (۱۳۸۹)، *خوشنویسی و فرهنگ اسلامی*، تهران: به‌نشر.
- صفوت، نبیل (۱۳۷۹)، *هنر قلم: تحول و تنوع در خوشنویسی اسلامی*، تهران: نشر کارنگ.
- مستقیم‌زاده، سلیمان سعدالدین (۱۹۲۸م)، *تحفه خطاطین*، استانبول: دولت مطبعه‌سی.

İNAL, Mahmut Kemal (1970), *Son Hattatlar*, İstanbul: Milli Eğitim Basımevi.

SERİN, Muhittin (2010), *Hat Sanatı ve Meşhur Hattatlar*, İstanbul: Kubbealtı Neşriyat.

TAŞKALE, Faruk ve Hüseyin Gündüz. (2006), *Hız Muhammed'in Özellikleri, Hilye-i Şerife*, İstanbul: Artam Antik Yayınları.

UĞURDERMAN, Mustafa (2017), *Türk Hat Sanatından Seçmeler*, İstanbul: Atatürk Kültür Merkezi Yayınları.

————— (1998), *İslam ansiklopedisi*, C. 18. Türk Diyanet Vakfı Yayınları, İstanbul.

UZUN, Mustafa İsmet (1997), "Hâkânî Mehmed Bey", *İslam Ansiklopedisi*, c:15, İstanbul: Türk Diyanet Vakfı Yayınları.